

ماركس، سرمايه
و
جنون خرد اقتصادي

ديويد هاروي
ترجمه عارف اقوامي مقدم



انتشارات آشيان

فهرست

- سخن مترجم / ۹
پیش‌درآمد / ۱۱
۱ تجسم سرمایه بسان ارزش در حرکت / ۱۵
۲ کتاب سرمایه / ۴۱
۳ پول بسان بازنمایی ارزش / ۷۱
۴ ضدارزش: نظریه ارزش‌گاهی / ۹۵
۵ قیمت‌ها بدون ارزش‌ها / ۱۲۳
۶ مسئله فن‌آوری / ۱۳۹
۷ فضا و زمان ارزش / ۱۶۳
۸ تولید رژیم‌های ارزش / ۱۹۳
۹ جنون خرد اقتصادی / ۲۱۹
قطعه پایانی / ۲۶۵

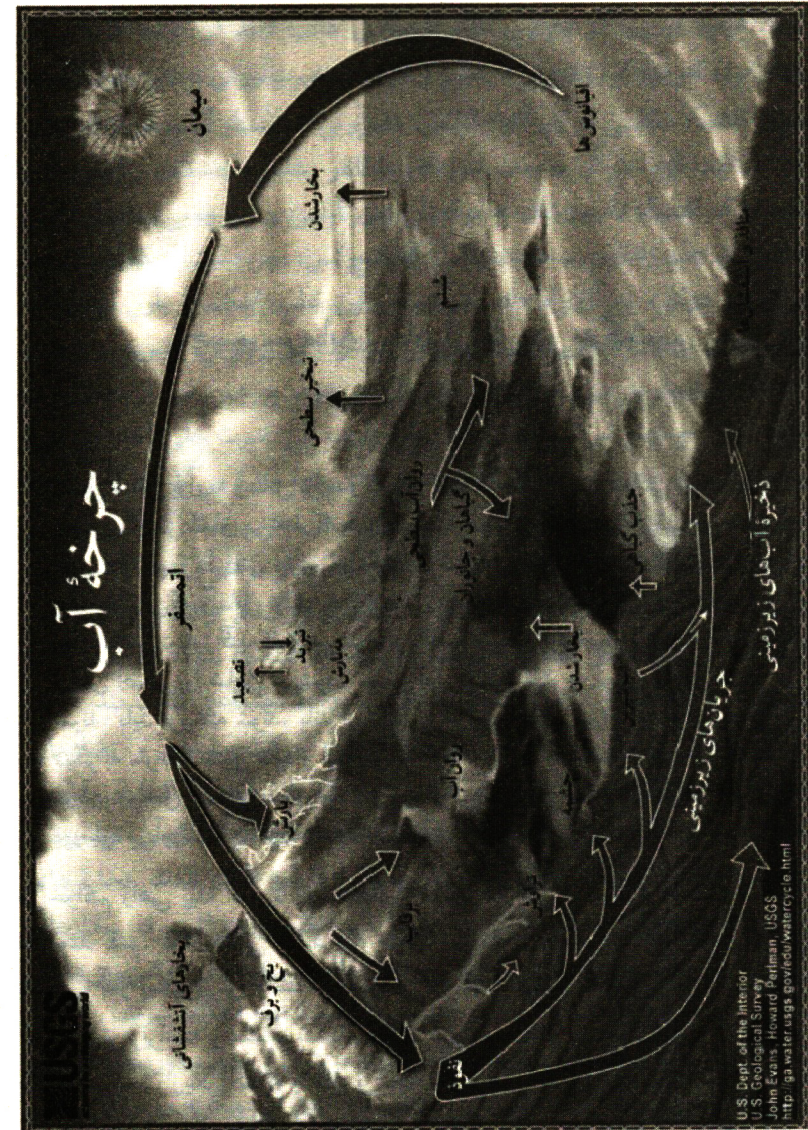
تجسم سرمایه بسان ارزش در حرکت

تبدیل مبلغی پول به وسائل تولید و نیروی کار، مرحله نخست حرکتی است که با مقداری ارزش اتفاق می‌افتد که بسان سرمایه عمل می‌کند. این حرکت در بازار، یعنی در سپهر گردش روی می‌دهد. مرحله دوم این حرکت، فرایند تولید، به محض این‌که وسایل تولید به کالاهایی تبدیل شوند که ارزش‌شان از اجزای سازنده‌شان تجاوز کند کامل می‌شود، و بالطبع سرمایه اولیه پیش‌پرداخته به علاوه ارزش اضافی را شامل می‌شود. سپس این کالاها باید به سپهر گردش منتقل شوند، باید فروخته شوند، باید ارزش‌شان در پول محقق شود، این پول باید بار دیگر به سرمایه تبدیل شود و این چرخه بارها و بارها تکرار شود. این چرخه که در آن، مراحل یکسانی به‌طور مستمر و به توالی اتفاق می‌افتند، گردش سرمایه را به‌وجود می‌آورند. (Capital, Volume 1, p. 709)

می‌خواهم راهی پیدا کنم تا نوشته‌های حجیم مارکس را درباره اقتصاد سیاسی نظام‌مند کنم. نوشته‌هایی مانند سه مجلد سرمایه، سه مجلد نظریه‌های ارزش اضافی، آثار پیشین‌ترش مانند سهمداشتی در نقد اقتصاد سیاسی و یادداشت‌هایی که پسین‌تر ویراسته و منتشر شدند، مانند گروندریسه، و یادداشت‌هایی که انگلس با تقبل زحمت زیاد (همراه با نقد و مجادله) آن‌ها را بسان مجلدهای دوم و سوم سرمایه پس از مرگ مارکس بازسازی و منتشر کرد. در ادامه می‌خواهم راهی منطقی و منسجم برای بازنمایی یافته‌های پایه‌ای مارکس بیابم.

ما در علوم طبیعی بسیاری از بازنمایی‌های ساده‌شده از فرایندهای پیچیده را می‌یابیم که کمک می‌کنند به آنچه در برخی از حوزه‌های پژوهش اتفاق می‌افتند، بیان تصویری بدهیم. از بازنمایی چرخه آب‌شناختی که به‌ویژه آن‌را جالب یافتیم بسان الگویی برای ترسیم چگونگی عملکرد سرمایه استفاده خواهیم کرد (نمودار ۱). آنچه را در این‌جا به‌ویژه جالب یافتیم این بود که حرکت چرخه‌ای H_2O مستلزم دگرگونی‌هایی در شکل است. آب در اقیانوس زیر تابش آفتاب بخار می‌شود و به طرف بالا حرکت می‌کند تا این‌که بسان قطره‌های آب متراکم شده و ابر را به وجود می‌آورد. اگر این قطره‌ها در ارتفاعات بسیار بالا باشند به شکل قطعات یخ درمی‌آیند، ابرهای سیروس بلندپرواز را به وجود می‌آورند و به غروب‌هایی زیبا شکل می‌دهند. در برخی نقاط، این قطره‌ها با قطعات یخ ترکیب شده، و با سنگین شدن، تحت تاثیر نیروی جاذبه به بارندگی منجر می‌شوند. بارندگی در طیفی از شکل‌ها (باران، مه، شبنم، برف، یخ، تگرگ و باران یخ) ظهور می‌کند. قسمتی از این بارندگی‌ها به محض زمین برسند یگراست به اقیانوس‌ها بازمی‌گردند، قسمتی از آن در زمین‌های مرتفع یا مناطق سرد بسان یخ انباشته می‌شوند که اگر اساساً جابجا شوند حرکت‌شان بی‌نهایت کند خواهد بود، حال آن‌که بقیه بارندگی با رودخانه‌ها و جویبارها به طرف زمین‌های پست به حرکت درمی‌آیند (در همین حین بخشی نیز مجدداً بخار می‌شوند) یا در جریان‌های زیرزمینی به اقیانوس‌ها بازمی‌گردند. گیاهان و حیوانات از این جریان‌ها در مسیرشان استفاده می‌کنند و از راه تعریق، مستقیماً بخشی از این آب را از راه بخار-تعریق به اتمسفر بازمی‌گردانند. همچنین مقادیر زیادی از آب در یخچال‌ها یا لایه‌های آبرای زیرزمینی ذخیره می‌شوند. همه این اشکال مختلف با سرعت یکسانی حرکت نمی‌کنند. کندی حرکت یخچال‌ها به لحاظ سرعت ضرب‌المثل است. سیلاب‌ها به سرعت به سمت پایین به حرکت درمی‌آیند. برخی مواقع سال‌ها طول می‌کشد تا آب‌های زیرزمینی فقط چند کیلومتر جابجا شوند.

آنچه این الگو را برای من جذاب کرد این بود که الگوی یادشده عبور H_2O از حالات و اشکال متفاوت را در آهنگ‌های متفاوت پیش از بازگشت به اقیانوس‌ها، برای آغاز مجدد، ترسیم می‌کند. این جریان، بسیار مشابه حرکت‌های سرمایه



نمودار ۱: چرخه آب‌شناختی. به نقل از ژئولوژی‌کال سوروی ایالات متحد